



چگونه در کودکان تفکر حکمت‌بنیان ایجاد کنیم

پژوهشگر و مدرس دانشگاه گفت: ایجاد شوق کندوکاو، یادگیری و پرسشگری، کنترل خیال و هدایت آن به سمت تعقل، رعایت آدابى مانند نداشتن خساست علمى و تجربه‌پذیری مثبت از جمله مواردی است که به ایجاد تعقل خلاق و حکمت‌بنیان در کودک کمک می‌کند.

پژوهشگر و مدرس دانشگاه گفت: ایجاد شوق کندوکاو، یادگیری و پرسشگری، کنترل خیال و هدایت آن به سمت تعقل، رعایت آدابى مانند نداشتن خساست علمى و تجربه‌پذیری مثبت از جمله مواردی است که به ایجاد تعقل خلاق و حکمت‌بنیان در کودک کمک می‌کند.

فاطمه صدر به گزارش‌اش ایکنای به نقل از روابط عمومی مجمع عالی حکمت اسلامی، فاطمه صدر، پژوهشگر و مدرس دانشگاه، شامگاه ۲۳ دی ماه در نشست علمى «درآمدی بر الگوی پرورش تعقل حکمت‌بنیان؛ در تطبیق با فلسفه برای کودکان» با بیان اینکه در انسان شناسی اسلامی، انسان دارای غایت است، لذا تعقل هم در این راستا یعنی کشف حقیقت و حق جویی و عدم کتمان حق (یعنی وقتی فرد به حق دست یافت شجاعت دفاع از آن را داشته باشد، مورد توجه است) افزود: این الگو چون دنبال حقیقت است لذا نسبت به حق موضع دارد و خنثی نیست؛ دنبال صدق و کذب برای آن می‌گردد نه دنبال فعلا خوب بودن و فعلا مناسب بودن. همچنین دنبال چیزهایی است که معنای زندگی به او ببخشد؛ اگر مفهوم خوشبختی را به معنای فلسفی در نظر بگیریم، تقریباً همه فلاسفه نسبت به آن صحبت کرده اند زیرا به زندگی معنا می‌بخشد.

صدر با بیان اینکه این الگوی تعقل بدون تزکیه نفس ممکن نیست، اظهار کرد: در حوزه تفکر غربی، حرکت باطنی و عمقی در تعقل وجود ندارد، بلکه توسعه عرضی، وجود دارد، لذا در تعقل بر مبنای اسلامی انسان به بواطن دست می‌یابد. البته ما جایی از تعبیر تعقل استفاده می‌کنیم که فرد دنبال کشف حقیقت است و برای حل مسائل به منابع حق رجوع می‌کند که البته لزوماً قرآن و روایات هم نیستند.

این پژوهشگر و مدرس دانشگاه با بیان اینکه در نظام ارزشی غرب، ذهن تعقل می‌کند، ولی در سیستم اسلامی، نفس انسان، تعقل دارد، گفت: کسی که تفکر و اندیشه ورزی می‌کند تا از دیگران کلاهبرداری کند، نوعی تفکر دارد ولی مذموم است لذا مصداق تعقل محسوب نمی‌شود و به حکمت و بصیرت نمی‌رسد. سفسطه و مغالطه هم در این راستا قابل توجه است.

وی با بیان اینکه در الگوی پرورش تعقل قصد نداریم اصطلاحات تخصصی را به کودک بیاموزیم، گفت: چون اصل زندگی در معناداری آن است، یعنی انسان بدانند از کجا آمده است و به کجا می‌رود و طول زندگی را چگونه باید سپری کند، کودک هم نیازمند متفکر شدن در این سه اصل است تا بتواند پرسش‌های زندگی خود را با این اصول، پاسخ دهد. از این رو باید دنبال جنبه مثبت تفکر باشد.

پژوهشگر و مدرس دانشگاه با بیان اینکه انسان در عمده کارهای خود از جمله در به کارگیری اندیشه خود در منفی یا مثبت از عقل استفاده می‌کند، ولی تعقل با عقل فرق دارد و صرفاً به جنبه مثبت گفته می‌شود، اظهار کرد: عقل می‌تواند از منابع و روش‌های غیر حق استفاده کند ولی تعقل زمانی است که از منابع و روش حق استفاده کند. در این الگو، تلقین و استدلال هم در کنار تعقل قرار می‌گیرد، لذا کسانی که تلقین و برهان را ضد حکمت و تعقل می‌دانند درست نیست بلکه به خصوص در سنین کودکی این موضوعات لازم است. ویژگی حلقه فلسفه برای کودکان

وی افزود: وقتی برای کودکان حلقه فلسفه تشکیل شود، معلم و کودکان در یک تراز قرار دارند، لذا معلم دانای کل در نظر گرفته نمی‌شود و تجربه و دانش او هم مد نظر نیست و نقش هدایتگری از او گرفته می‌شود و مانند سایر بچه‌ها ایده خود را می‌دهد ولی اقتدار روشی دارد یعنی مراقبت می‌کند چیزی را به عنوان طرح درس بدهد که بچه‌ها تفکر و تعقل کنند حتی نیازمند نتیجه‌گیری و جمع‌بندی هم نیست.

صدر با بیان اینکه در این الگو، ایجاد شوق به کندوکاو، یادگیری و پرسشگری از چیزهایی است که باید در کودکان تقویت شود، گفت: مسئله، ایجاد شوق است یعنی فرد وقتی ۷ ساله و ۴۰ ساله و ۸۰ ساله دنبال پرسشگری است بدون اینکه شما جایزه به او بدهی یا دنبال مدرک باشد.

وی افزود: همچنین مشاهده‌گری توأم با علاقه و تجربه کردن بخشی از عقلانیت در کودک است که البته این تجربه نباید در موارد

منفی مانند کشیدن سیگار و ... رخ دهد، بنابر این تجربه در موضوعات غیر آسیب زا مد نظر است و به ایجاد تعقل حکمت بنیان کمک می کند.

صدر با بیان اینکه درگیر شدن با مسائل و چالش ها از روحيات مهم است، اظهار کرد: کسانی که اهل آهسته رفتن و آمدن هستند در فضای مقلد بودن و عافیت طلبی قرار دارند و از حل مسائل، لذت نمی برند. همچنین جدل نکردن به معنای مذموم آن و داشتن ذهن یکپارچه و منسجم در شنیدن سخنان دیگران و حق پذیری و تسلیم در برابر حق هم نشانه تعقل است؛ البته منظور ما فقط این نیست که افراد فقط سراغ نصوص اسلامی بروند و غیر آن را نبینند بلکه منظور این است که دست به مقایسه میان اسلام و ادیان دیگر بزنند و به حقانیت اسلام پی ببرند.

پرهیز از خساست علمی

صدر با بیان اینکه متاسفانه منبع و ماخذی برای پرداختن به تفکر خلاق از منظر اسلامی تدوین نشده است و ما درصددیم تا این نوع مباحث، صورت بندی شوند، افزود: در آداب گفت و گو و تعقل، هدف این است که ما به یک نتیجه برسیم، ولی با رعایت اصول اخلاقی نه اینکه با هر روش و ابزاری بخواهیم به نتیجه برسیم؛ برای تحقق این مسئله اولین نکته آن است که خساست علمی نداشته باشیم و دیدگاه های خود را با دیگران به اشتراک بگذاریم. مسئله دیگر مشارکت در اندیشه ورزی و حمایت از دیگران است، یعنی اگر کسی نظری داد، ولی فن بیان او و براهین او ناقص است به او کمک کنیم یا حتی اگر کسی پیش فرض غلطی داشت و به او گوشزد کنیم تا رفع کند باز نوعی حمایت است.

پژوهشگر و مدرس دانشگاه با بیان اینکه کسی که دانش کافی در موضوعی ندارد، نباید وارد مسئله شود و این یکی از آداب تعقل حکمت بنیان است، اظهار کرد: مسئله دیگر خوب گوش دادن است تا آن چیزی را که منظور گوینده است دریابیم. مسئله دیگر هم ایجاد باران فکری و استخری از دانش است تا هر کسی ایده و نظر و تجربه خود را با دیگران به اشتراک بگذارد تا بهترین نظریه به دست بیاید. موضوع دیگر هم تعامل با دیگران است.

این پژوهشگر، تلاش برای رسیدن به فهم مشترک را از دیگر لوازم تعقل حکمت بنیان برشمرد و تصریح کرد: نداشتن حس برتری طلبی، توهین و تمسخر نداشتن، داشتن تواضع علمی، اسکات خصم نکردن و ... هم جزء آداب است.

ارتباط وهم و خیال با تعقل

صدری همچنین در مورد ارتباط وهم و خیال و نسبت آن ها با عقل گفت: برخی معتقدند که تعقل بدون قوه خیال ممکن نیست و یکی از مهمترین ابزارهای تعقل، خیال است زیرا خیال به انسان امکان صورت بندی و تصویرسازی می دهد، ولی این دو با هم فرق دارند؛ خیال قابلیت هایی دارد که از قوه تعقل کمتر است. تفکر خلاق در کودکی خیلی فعال است، لذا وقتی ما قصه شناسیم و منگول برای او بگوییم خودش تصویرسازی می کند که این مسئله توسعه خیال است به همین دلیل گفته شده است که برای کودکان داستان ها را خودتان شفاهی بگویید تا او خودش تصویرسازی کند و قوه خیالش را به کار گیرد به جای اینکه از روی کتابی قصه بخواند که تصویرها را خودش کشیده است.

وی افزود: البته نباید اجازه داده شود که کودک در قوه خیال باقی بماند و از آن به حوزه توهم یا خیال پردازی های گناه آلود نرود. کودک تا سن چهارسالگی میان خیال و واقعیت خیلی تمایزی قائل نیست.

صدری در مورد تفاوت خیال و وهم گفت: وهم زمانی است که فرد خیالاتی در سر می پروراند که امکان تحقق بیرونی ندارد، ولی گاهی خیالاتی مانند رفتن به فضا دارد که باعث تمایل او به تولید علم و دانش رفتن به فضا می شود. به تعبیر دیگر خیال، حامی و کمک کار عقلانیت است، ولی اگر خیال طوری غلبه پیدا کند که در برابر عقل بایستد و انسان را به سمت خطر ببرد، توهم خواهد شد.

حقیقت ساخت انسان نیست

این پژوهشگر با بیان اینکه حقیقت، ساخت انسان نیست، تصریح کرد: در اسلام، حقیقت ثابت فارغ از انسان مورد قبول است و انسان باید به سمت آن حرکت کند؛ ما یک نظام حقیقت داریم که مبتنی بر یکسری حقوق است؛ اگر عدالت یک حق است و تعریف و معیار و مصادیقی دارد، این عدالت، معیار حق است ولی اگر عدالت را مساوی و برابری و امر اعتباری در نظر بگیریم غیرحقیقت خواهد شد.

صدری همچنین با بیان اینکه در تفکر خلاق ما با تفکر واگرا سر و کار داریم، اظهار کرد: به تعبیر دیگر در این نوع تفکر، فرد وارد ساختار شکنی، سنت شکنی و شالوده شکنی رفته و از چارچوب ها عبور کرده و خود فرد چیزی را خلق می کند؛ تفکر مراقبتی، هم تفکری است که با حوزه احساسات و عواطف پیوند می خورد؛ می گوید وقتی من سعی می کنم خودم را جای دیگری قرار

دهم تفکر مراقبتی شکل می گیرد و البته مراقبت از فرایند تفکر و حتی توجه به تفکر خود فرد هم مراقبتی نامیده می شود.

این پژوهشگر با بیان اینکه برای تفکر خلاق در کودکان بازی ها و مراقبت هایی طراحی شده است، تصریح کرد: مراقبت های اخلاقی از حوزه خیال یکی از این مراقبت ها است، یعنی انسان به هر چیزی فکر نکند و هر زمانی به هر موضوعی فکر نکند و هر چیزی را خیال پردازی و تصویرسازی نکند؛ کودکان هم متناسب با سن خودشان می توانند این آموزش ها را دریافت کنند. بنابر این تفکر خلاق و عقلانیت باید قوه خیال را مدیریت کند تا گرفتار توهم نشود.

وی افزود: فرضیه سازی با تفکر خلاق صورت می گیرد؛ فرضیه یعنی یکسری چیزهایی مدنظر است که ممکن است درست باشد و فرد به تجربه و آزمون آن می پردازد و اختراعات و ایده پردازی ها هم عمدتاً ناشی از همکاری میان تفکر خلاق و قوه خیال است و وقتی این دو با هم کار کنند، این مسئله رخ می دهد.